

هفتم تیر به روایت اسناد

۲۵ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۷:۵۳

مسعود رجوی ، در جمع بندی یکساله ، با اشارات و تأکیدات بسیار به مخاطبان می رساند که فاجعه ۷ تیر را سازمان مرتکب شده است . وی با مرحله بندی کردن جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی می گوید : در مرحله اول نوبت « سران سیاسی » بود . قبل از هر چیز ، شاه مهره ها هدف بودند

محمد جواد قدیری عضو کادر مرکزی سازمان و از طراحان اصلی انفجار مسجد اباذر ، « در روز چهارم تیر [۱۳۶۰] به دوستان خود با اطمینان خبر میدهد که روز هفتم تیر ، کار یکسره خواهد شد . » ۲

وی روز ششم تیر نیز قبل از فرار از کشور « به بعضی از متهمین [عضو سازمان] که مجدداً دستگیر شده اند گفته بود که فردا یعنی روز ۷/۴/۶۰ کار نظام اسلامی تمام است . » ۳

فاجعه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی بزرگترین ضربه ای بود که تروریسم از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بدان وارد آورده بود . به رغم عربان بودن انگیزه ها و نحوه عملکرد سازمان که حتی از پیش از تحقیقات هم برای مردم روشن بود ، به علت ابعاد و آثار گسترده داخلی و بین المللی این اقدام ، سازمان مسئولیت انفجار ۷ تیر را صریحاً اعلام ننمود . ضمن اینکه تلویحاً و با کنایه روشن تر از تصریح آن را به خود نسبت می داد .

انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا که در سال ۶۰ و ۶۱ نقش ستاد سازمان در آمریکا را ایفا می کرد و مواضع آن را انتشار می داد ، در اطلاعیه خود چنین اعلام نمود : « ... انفجار ستاد حزب [جمهوری اسلامی] و متلاشی شدن بهشتی ... مرگ بهشتی همان خواست به حق توده های مردم بود . » ۴

رجوی در جمع بندی یکساله و موسی خیابانی نفر دوم سازمان ، در نوار تحلیل تاریخچه سازمان ، که اندک زمانی پیش از کشته شدنش در بهمن ۶۰ ضبط کرده بود ، هر دو - به نوعی - از « ضربه مهلک » و « ضربه اول » (و مانند این تعبیرها) بعد از ۳۰ خرداد ، سخن راندند . خیابانی با اشاره به آغاز جنگ مسلحانه توسط سازمان پس از ۳۰ خرداد ۶۰ ، در باره انفجار حزب جمهوری اسلامی می گوید :

.... صدای مهیب انفجار درست رأس ساعت ۹ یکشنبه شب ، هفتم تیر ماه ، بلند شد . صدائی که نه تنها در سراسر ایران ، بلکه در سراسر جهان طنین انداخت و شاید بتوان گفت که از فردای آن روز ، رژیم [امام] خمینی دیگر مرده است . ۵

وی در ادامه ، با تشبیه سازمان به یک جوان ، انفجار ۷ تیر را سیلی محکم آن جوان به رژیم جمهوری اسلامی توصیف می کند . ۶

همچنین در یک جمع بندی درون سازمانی در شهریور ۶۰ ، از فاجعه ۷ تیر به این تعبیر ذکر می شود : « ضربه جبران ناپذیر بر پیکر ارتجاع به عنوان مرحله جدید مبارزه که در اثر آن رژیم قادر به راست کردن کمرش نخواهد بود . » ۷

مسعود رجوی ، در جمع بندی یکساله ، با اشارات و تأکیدات بسیار به مخاطبان می رساند که فاجعه ۷ تیر را سازمان مرتکب شده است . وی با مرحله بندی کردن جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی می گوید :

در مرحله اول نوبت « سران سیاسی » بود . قبل از هر چیز ، شاه مهره ها هدف بودند . ۸

... ما در فاز نخستین تهاجمان ، با عمل بزرگ شروع کردیم ؛ و در رأس همه ، عملیات تاریخی « الله اکبر » ، که این اسم هم پیشاپیش برایش گذاشته شده بود ، جای موسی خالی ... یک مرحله را پیش بردیم . کدام مرحله ؟ بی آینده کردن رژیم و سلب ثبات از آن ... خلاصه در یک کلام : کار کسی جز مجاهدین نبود ... کار در مجموع حساب شده و برنامه ریزی شده بود ... ۹

در فروردین ۶۲ سرمقاله نشریه مجاهد آشکار ساخت که « از فردای ۳۰ خرداد سال ۶۰ در نشست دفتر سیاسی سازمان » بحث و تصمیم گیری در باره « نخستین عمل بزرگ » آغاز می شود و « هدف های این عملیات » دارای چهره و هویت مذهبی بوده اند . ۱۰

این اشارات کاملاً روشن می سازد که انفجار هفتم تیر در دفتر سیاسی سازمان بحث و تصویب شده و با توجه به اشاره رجوی به هنگام یادکرد از آن عملیات ، می توان حدس زد که نقش خیابانی در انجام این عملیات مهم تر و برجسته تر از سایرین بوده است . چند مورد دیگر از اعترافات سازمان به انجام عملیات تروریستی هفتم تیر به این شرح است :

اولین شماره نشریه مجاهد که پس از ۴ تیر ۶۰ تعطیل شده بود و یک سال و نیم بعد در آذر ماه ۶۱ در خارج کشور منتشر گردید ، در سرمقاله خود در باره استراتژی جنگ مسلحانه و ترور سران کشور تحت عنوان « ضربات اول » چنین می نویسد.

.... در مرحله اول این استراتژی ، ضربه یا ضربات تعیین کننده اول و یک فاز تهاجمی - تهاجم هر قیمت - و تشکیل آلترناتیو را در دستور کار قرار دادیم ... در مرحله اول ... بار کیفی پیشبرد عملیات نظامی ، از آنجا که از پیچیدگی بسیار بالائی برخوردار بود ، به عهده مسئولین رده بالای سازمان قرار داشت . ۱۱

نشریه سازمان در تحلیلی فاجعه هفتم تیر را این گونه تبیین کرد هاست :

... از بین رفتن ۷۰ درصد کادر رهبری و ارکان حکومتی اش در نقاط مختلف کشور و بی آینده شدن مطلق رژیم ، دقیقاً محصول مقاومت انقلابی مسلحانه و به خصوص مرحله اول استراتژیک آن بوده است ... او (بهشتی) [پرانتز مربوط به متن اصلی است .] تنها شاه مهره ای بود که می توانست آینده رژیم را ... تصمیم نماید (و در همین جاست که عظمت انقلابی و سرنوشت ساز مرحله اول استراتژی مقاومت روشن می شود .) مسعود رجوی در جمع بندی یکساله مقاومت مسلحانه ... چنین می گوید :

مجاهدین در اولین ضربه شان جائی برای تثبیت رژیم نگذاشتند . ۱۲

مسعود رجوی در مصاحبه با نشریه الوطن العربی در دی ماه ۶۱ که ترجمه آن توسط ارگان سازمان نیز منتشر گردید گفت :

دستاورد سال اول مبارزه مسلحانه ما بسیار بود تا حدی که رژیم امروز بی آینده شده است ... کلیه کاندیداهای رهبری پس از خمینی یعنی مقاماتی که می توانستند رهبری رژیم کنونی را بعد از او به دست گیرند ، ... علاوه بر آنها دو هزار نفر دیگر از آخوندهای حاکم و سایر مسئولین رژیم نیز ... به هلاکت رسیده اند . ۱۳

بیش از یک دهه بعد هفته نامه عرب زبان الوطن العربی نوشت :

... سازمان سیا با کمک مزدوران خود در داخل [ایران] توانست یک محل گردهمائی را منفجر کند که در آن رویداد ، بین ۷۰ تا ۸۰ نفر از سران رژیم و در رأس آنها محمد بهشتی کشته شدند ... ۱۴

در گزارش وزارت خارجه آمریکا در باره سازمان که در سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳ شمسی) انتشار یافت نیز صراحتاً مسئولیت انفجار هفتم تیر بر عهده آن سازمان گذارده شده است :

مجاهدین موجی از بمب گذاری و ترور را علیه رژیم خمینی آغاز نمودند که تا امروز نیز طنین انداز است . شاخص ترین حمله در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۱ [= ۷ تیر ۱۳۶۰] رخ داد و این زمانی بود که دو بمب مرکز حزب جمهوری اسلامی (

حزب روحانیون) را از هم متلاشی کرد و منجر به کشته شدن ۷۴ تن از رهبران ارشد رژیم گشت. من جمله رهبر حزب جمهوری اسلامی، آیه الله بهشتی، ۴ وزیر، ۲۷ نماینده مجلس. ۱۵

علی فراستی از اعضای قدیمی و جدا شده سازمان در شرح چگونگی اقدام سازمان به انفجار هفتم تیر، تأکید کرد که شوروی پشتیبانی این عملیات را بر عهده داشته است:

انفجار حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ شوک سهمگینی بر رژیم بود و حکومت شوروی، آمریکا را منشأ انفجار اعلام کرد. (کتاب «اتحاد شوروی و ایران انقلابی» نوشته ا. یودفات، لندن ۱۹۸۴، ص ۱۱۶) این اقدام مجاهدین، هیچ کمکی به خودشان نکرد بلکه ناخواسته کمک بزرگی به استراتژی شوروی کرد... در تحقیقات مؤسسات جرم شناسی آمریکا مشخص شد که بمب به کار رفته در انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی از نوع «گاز متراکم» بوده است که به تازگی توسط آمریکائیا کشف شده بود ولی شوروی ها توانسته بودند به آن دست یابند. ساختن چنان بمبی با آن فرمول پیچیده مطلقاً در توان یک گروه چریکی نبوده است و تنها امکان، رسیدن آن از طریق شوروی به مجاهدین بوده است. لازم به توضیح است که مسعود رجوی در سال ۱۳۶۰ در جلسات خصوص در پاریس تأیید کرده بود که تکنولوژی این انفجار را در اختیار نداشته است. ۱۶

آدرس مطلب:

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۰۸۴/روایت-تیر-هفتم-۲۱۰۸۴>